

سیمای منتظران در قرآن

مهناز رحیم پور

چکیده

این مقاله تحت عنوان «سیمای منتظران مهدی (ع)» با رویکرد قرآنی و با محور قرار دادن آیات ۵۶ و ۵۷ سوره آل عمران و آیات ۲ و ۴ سوره صف به توصیف یاوران حقیقی امام زمان (ع) در دوران غیبت پرداخته است.

بر اساس متون روایی، اعتقاد به وجود مهدی موعود (ع) امری ضروری در بین مذاهب مختلف اسلامی و به خصوص پیروان مکتب اهل بیت (ع) است. این تعالیم و آموزه‌ها به همراه خود تحولات هیجانی و عاطفی و عملی را ایجاد می‌کند که ضمن آن افرادی می‌کوشند خود را برای یاری امام منتظر (ع) آماده سازند. این بینش که در بین شیعیان رایج است، در اصطلاح دوران غیبت به کسانی که منتظر هستند اطلاق می‌شود، این افراد که از آمادگی فکری، روحی و برنامه ریزی و عمل باید برخوردار باشند به صالحین و مصلحین و حواریون مسیح (ع) در قرآن می‌مانند. روش مقاله توصیفی و تحلیلی است که با تکیه بر کتب لغت و تفسیری و روایی به رشته تحریر در آمده است. نتیجه آن که منتظران واقعی در دوران غیبت مصداق بارز صالحین و مصلحین هستند که با الگو قرار دادن سیره حواریون از

نظر فکری و روحی و عمل همواره به اصلاح خود و دیگران می پردازند.
کلید واژه ها: انتظار، منتظر، ویژگی های منتظران، صالحین، مصلحین،
حواریون.

مقدمه

اعتقاد به وجود منجی در آخرالزمان در بین ادیان توحیدی امری قطعی است، و عقیده به ظهور مهدی موعود(ع) از جمله اعتقادات اسلامی است، براساس متون روایی اعتقاد به وجود و ظهور حضرت مهدی(ع) امری ضروری است. این روایات مجموعه معارف و دانشی را برای افراد فراهم می سازد. برخی از این تعالیم و آموزه های روایی منشأ برخی تحولات هیجانی و عاطفی و عملی معینی می شوند که ضمن آن افرادی می کوشند خود را برای یآوری امام منتظر(ع) مهیا سازند، و در دوران غیبت چهره منتظران حقیقی را ترسیم کنند. این مقاله ابتدا به ترسیم مفهوم «انتظار» و «منتظر» می پردازد، سپس اقسام آن را بیان داشته، در ارتباط با منتظران حقیقی با رویکرد قرآنی به توضیح واژه «صالح» و «مصلح» پرداخته و با محوریت آیات ۵۶ سوره آل عمران و فرازهایی از سوره صف به ترسیم سیمای حقیقی منتظران در قرآن در صورت حواریون مسیح(ع) می پردازد.

«انتظار» در لغت به معنای درنگ در امور، نگهبانی، چشم به راه بودن و به نوعی امید داشتن به آینده تعبیر شده است^۱. این واژه یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است. مسأله انتظار و حکومت حق و عدالت مهدی(ع) و قیام مصلح جهانی از دو عنصر نفی و اثبات تشکیل شده است^۲. این حالت یا آدمی را به عزت و اعتزال می کشاند و منتظر را به سمت عنصر نفی متمایل می گرداند، و یا باعث حرکت و پویایی و اقدام و عامل عمل و آمادگی وسیع می گردد، تا جایی که منتظر همواره آماده قیام و مبارزه و جهاد است.

آنچه از منابع روایی شیعه به دست می آید این است که امامان اهل بیت(ع) با صراحت به ارائه تصویری مناسب از انتظار، بر برداشت اول خط بطلان کشیده اند و برای آن که هرگز آن معنا به ذهن مخاطب خطور نکند، به قسم مهم و اساسی مفهوم انتظار اشاره کرده اند، که انتظار، عمل است، آن هم افضل اعمال و عبادت. «افضل اعمال امتی انتظار

الفرج من الله عزوجل» و یا «انتظار الفرج عبادة»^۳. در روایتی مردی از امیرمؤمنان علی (ع) می پرسد: «أى الأعمال أحب إلى الله عزوجل؟» قال علی (ع): «انتظار الفرج»^۴.

ابعاد انتظار

انتظار یا آینده نگری به حالت کسی گفته می شود که از وضع موجود ناراحت و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می کند، و منتظر کسی است که آماده می شود تا نقاط ضعف خویش را پر کند، و موانع آن را بشناسد، آمادگی انسان منتظر دارای ابعادی است که آنها عبارتند از: آمادگی فکری، آمادگی روحی، برنامه ریزی و عمل.

الف: آمادگی فکری: منتظر حقیقی کسی است که بنیان فکری عمیقی پیدا کرده و در مقابل افکار و مکاتب مختلف از پانیاقتد، رسول خدا (ص) می فرماید: لكل شیء دعامة و دعامة هذا الدین الفقه و الفقیه الواحد اشد علی الشیطان من ألف عابد؛ برای هر چیز اساس و پایه ای وجود دارد، و پایه این دین فهم عمیق است و یک فقیه در برابر شیطان از هزار عبادت گزار محکم تر و موثر تر است»^۵.

ب: آمادگی روحی: منتظر واقعی باید در زمینه روحی آمادگی بالایی داشته باشد تا در برابر حوادث و مصائب تحمل بار سنگین رسالت خویش را تحمل نماید. زیرا در زمان غیبت مردم مورد امتحانات متعدد و سخت قرار می گیرند و زیر و رو می شود. امام باقر (ع) در پاسخ یکی از اصحاب که پرسید: فرج شما چه وقت است؟ می فرماید: «هیئات هیئات لا تكون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا - یقولها ثلاثاً - حتی یدهب الکدر و یبقی الصفور؛ هیئات فرج ما نرسد تا غربال شوید باز هم غربال شوید و باز هم غربال شوید. تا این که کدورت ها برود و صافی و صفا بماند»^۶.

ج: طرح و برنامه ریزی: منتظر باید با توجه به طرح سازندگی خود دنبال مصالح و لوازمی باشد که بعد فکری و روحی خود را به طور مستمر با برنامه ریزی آماده و تحت مراقبت قرار دهد، و تلاش کند در مرحله اول خود و در مرحله بعد دیگران را به سوی خود سازی و تزکیه و تعلیم رهنمون گردد، یعنی: علاوه بر اصلاح خویش می کوشد دیگران را نیز اصلاح کند.^۷

د: آمادگی در عمل: در بینش دینی، افراد نه با عمل بلکه با بینش شان از یک عمل به

ارزش می رسند. از این دیدگاه همه عهده دار و مسئولند. «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة».^۸ پس یک منتظر باید عمل را جدا از حجم و مقدارش با توانایی خود بسنجد زیرا قرآن می فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (النجم، ۳۹/۵۳) و برای آن که از آفات عمل و خودنمایی مصون باشد باید بدون چشم داشت اعمال خود را کوچک بشمارد، و از افراط و تفریط برحذر باشد، و از سنت جدا نشود زیرا «لا قول إلا بعمل و لا قول و لا عمل إلا بنية، و لا قول و لا عمل و لا نية إلا بإصابة السنة؛ یعنی «گفتار نباشد جز با کردار و گفتار و کرداری نباشد جز با پندار و گفتار و کردار و پنداری نباشد جز با درست بودن روش».^۹

هـ: **فعالیت اجتماعی منتظران:** هر انقلاب و تحول بنیادی دو جنبه دارد که عبارتند از: جنبه نفی و جنبه اثبات. جنبه نفی از میان بردن عوامل اختلال و فساد و انحطاط است، پس از این مرحله نوبت به یعنی: جانشین ساختن عوامل اصلاح و سازندگی می رسد. حکومت جهانی موعود منتظر (ع) قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است تا بتوانند بار سنگین اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش کشند، و از این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای آن برنامه عظیم است. از این رو تنگ نظری ها، کوتاه بینی ها، کج فکری ها، حسادت ها اختلافات کودکانه و هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست. منتظران راستین در هر حال وظیفه دارند علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند. زیرا در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند، بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم کند.^{۱۰}

قرآن کریم از این گونه افراد به عنوان صالحین و مصلحین یاد کرده است. صالحین دسته ای از عباد الرحمن هستند که تمام حالات و حرکات و سکنات آنان مورد مرضی حق تعالی است و آنها در بینش و علم و معرفت و بصیرت در بالاترین مرتبه قرار دارند و جز خیر و خوبی از آنان چیزی صادر نمی شود، و همواره در بهبودی و وضع خود و دیگران تلاش می کنند. مقابل این واژه فساد و تباهی قرار دارد. این واژه گاهی در مقابل فساد و گاهی در مقابل گناه قرار گرفته است^{۱۱}، و انسان فاسد با اعمالش با خداوند مخالفت می کند زیرا کارهای ناشایست انجام می دهد^{۱۲}. صالحین در مرتبه ای قرار دارند که در

ردیف انبیاء و صدیقین و شهدا - گواهان بر اعمال مردم - قرار دارند و خداوند نعمت ولایت به آنها اعطا کرده است. از این رو می فرماید: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (النساء، ۴/۶۹).

قرآن کریم مصداق بارز و کامل صالحین را پیامبران می داند و در داستان زندگانی ابراهیم و یوسف و موسی و سایر انبیاء عظام آنان را در زمره صالحین بر شمرده است. زیرا قرآن می فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ... وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (النحل، ۱۶/۱۲۱-۱۲۲) و درباره پیامبرانی که از ذریه او می باشند از جمله می فرماید: «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ» (الانعام، ۶/۸۵) و از زبان یوسف (ع) می فرماید: «رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (یوسف، ۱۲/۱۰) قرآن درباره ویژگی های مصلحین در سوره اعراف می فرماید: «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (الاعراف، ۷/۱۷۰) یعنی: کسانی که دستاویز آنها کتاب آسمانی است. و همواره به آن چنگ می زنند و به آن پناه می برند، و حقایق آن را کتمان نمی کنند و نماز را برپا داشتند ماجزای عمل اصلاح کنندگان را ضایع نمی کنیم. منتظر حقیقی نیز در درجه نخست خود یک مصلح است. زیرا تلاش او با تهذیب و تزکیه خود و دیگران همراه است، و اگر این همه ویژگی ها به تمسک به کتاب و نماز اشاره کرده است دلیل بر اهمیت این دو است. زیرا کسانی که نماز را به پا می دارند مصلحین هستند و قرآن کریم در سوره معارج سیمای نمازگزاران را در آیات ۲۲ تا ۳۴ این سوره به تصویر کشیده است، و در این سوره مهمترین مشخصه آنها که اطاعت و عبادت حق تعالی و خشیت در برابر او، پرداخت زکات و انفاق و ایمان به قیامت و حفظ عفت و پاکدامنی است اشاره نموده است. یکی از ویژگی های منتظران واقعی در دوران غیبت تمسک آنان به قرآن در قالب تلاوت و تفکر و تدبیر و عمل به فرامین کتاب خداست، لذا قرآن نزد منتظران مهجور نیست، و آنان مصداق آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (الصف، ۶۱/۲-۳) نمی شوند. بی تردید بهترین سیما و الگوی قرآنی منتظران واقعی را در دوران غیبت حواریون عیسی مسیح (ع) می توان معرفی کرد. زیرا مسیحا

همواره در طول تاریخ منجی بنی اسرائیل معرفی و وعده داده شده بود، و آن حضرت در بسیاری از جهات به حضرت صاحب الامر^(ع) شباهت دارد. و تالی تلو آن حضرت در دوران ظهور از سوی روایات اسلامی معرفی شده است. آن حضرت به هنگام غیبت و عروج خود از خواص یاران خود پرسید؟ کیست مراد راهی که به سوی خدا منتهی می شود یاری کند؟ حواریون پاسخ دادند: ما دین خدا را یاری می کنیم. قرآن کریم در این باره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (الصف، ۱۴/۶۱).

قریب به همین مضامین را قرآن کریم در سوره آل عمران بیان داشته است و می فرماید: «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّ مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۵۲/۳)؛ «چون عیسی از آنان {بنی اسرائیل} احساس کفر کرد، گفت: یاران من در راه خدا چه کسانی؟ حواریون گفتند: ما یاران {دین} خداییم، به خدا ایمان آورده ایم، و گواه باش که ما تسلیم {او} هستیم». حواریون پس از قبول دعوت مسیح به همکاری و کمک و گواه گرفتن او بر ایمان خود متوجه درگاه خداوندی شدند و ایمان خویش را به پیشگاه او این گونه عرضه داشتند^{۱۳} «رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» (آل عمران، ۵۳/۳)؛ «پروردگارا، ما به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و پیرو رسول گردیدیم، پس نام ما را در زمره شاهدان و گواهان قرار ده». ادعای ایمان به تنهایی کافی نیست، از این جهت حواریون بعد از این که ایمان خود را عرضه داشتند عمل به دستورات آسمانی و پیروی از پیامبر خدا مسیح^(ع) را پیش کشید و گفتند ما از فرستاده تو پیروی می کنیم و این گواه زنده ایمان را سخ ما است. زیرا هنگامی که ایمان در روح و جان آدمی نفوذ کند در عمل او انعکاس می یابد. بدون عمل ممکن است آنچه یک انسان مؤمن ادعا می کند تنها یک ایمان پنداری باشد، نه ایمان واقعی^{۱۴}. حواریون چه کسانی بودند و چه کردند که قرآن کریم از آنان به عنوان الگوی اهل ایمان یاد کرده است؟ کلمه حواری از حور به معنای سفیدی است. به عقیده صاحب «مجمع البیان» حواریون کسانی هستند که از امور روزمره و دغل کاری به دور می باشند و تمام افکار و اعمال خود را معطوف به جلب دل های مردم در جهت کسب رضای خدا کرده اند^{۱۵}. همچنین صاحب

قاموس قرآن در توضیح این واژه می نویسد: یاران مخصوص را حواری گویند، که گویا قلوبشان در یاری کردن پاک و مانند جامه سفید است این کلمه در قرآن کریم فقط در مورد یاران خاص حضرت عیسی (ع) به کار رفته است. ولی در روایات در مورد یاران مخصوص حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز استعمال شده است^{۱۶}. از این رو حواری به معنای کسی است که از میان همه مردم به آدمی اختصار داشته باشد^{۱۷}. گفتاری که قرآن از حواریون نقل می نماید، متضمن نوعی ایمان و اسلام است که بدون چون و چرا و قید و شرط تسلیم خداوند تعالی هستند و به تمام احکام و دستوراتی که عیسی (ع) تعلیم داده ایمان آورده اند، و از رسول خدا مسیح (ع) در تمام آن موارد پیروی می کنند^{۱۸}. حواریون تعداد معدودی از ایمان آوردگان به مسیح بودند که هر نوع رنج و سختی را متحمل و برخی به شهادت رسیدند تا آیین توحیدی اسلام را بر اساس تعالیم مسیح (ع) ترویج کنند و آنان همچون صیادی نفوس و جان های مردم را از حیرت و سرگردانی به سوی حق راهنمایی می کردند^{۱۹}. و بنا به فرمایش حضرت ابالحسن الرضا (ع): «آنان هم خود را از آلودگی به گناه پاک کرده بودند، و هم برای پاک کردن دیگران کوشش می کردند»^{۲۰}. آیا بین منتظران حقیقی و محبین اهل بیت (ع) باید تفاوت قائل شد. محبت تنها یک علاقه قلبی نیست بلکه باید آثار آن در عمل انسان منعکس شود. قرآن کریم می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آل عمران، ۳/۳۱)؛ «بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده و مهربان است». کسی که مدعی حب پروردگار است نخستین نشانه اش این است که از پیامبر و فرستاده او پیروی کند، در حقیقت یک اثر طبیعی محبت این است که انسان را به سوی محبوب و خواسته های او می کشاند. البته ممکن است محبت ها به قدری ناچیزند که نمی توان نام محبت بر آن گذاشت یک محبت اساسی حتماً آثار عملی نیز دارد^{۲۱}. بنابراین، منتظران واقعی امام زمان (ع) در درجه اول شیعیان حقیقی آن حضرت محسوب می شوند. اما این شیعیان در درجه بالاتری قرار دارند، زیرا آنان در هر مقطع زمانی که قرار گیرند در درجه نخست همانند یک مصلح در محیط فردی و اجتماعی خویش عمل خواهند کرد. از همین روست که انتظار فرج افضل اعمال محسوب شده است. و سیمای قرآنی منتظران را باید در حواریون عیسی (ع) ترسیم

کرد. پس اگر عیسی مسیح^(ع) فرمود: «کیست که مرا در راهی که به سوی خدا منتهی می شود یاری کند»، منظورش این بود که بفهمد از میان مردم چند نفر طرفدار حقند، تا روی همانان حساب کند و نیرویش در آنان متمرکز گشته دعوتش از ناحیه آنان منتشر شود^{۲۲}. و اسلامی که حواریون در آیه: «... نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَاشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران، ۵۲/۳) بیان داشتند اسلام بی قید و شرط است به طوری که هر چه از ایشان خواست انجام دهند، و هر کاری از آنان خواست چون و چرا نکند، و چنین اسلامی جز در بین مؤمنین خالص یافت نمی شود. و چنین نیست که هر کس به زبان شهادت به توحید و نبوت دهد به مقام تسلیم هم برسد^{۲۳}.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده منتظران واقعی کسانی هستند که علاوه بر اصلاح خود به اصلاح دیگران و سایر اجتماعات انسانی جهت آماده سازی ظهور منجی موعود^(ع) می پردازند. منتظران حقیقی براساس آیات قرآن کریم مصداق بارز صالحین و مصلحین الهی هستند که با تاسی به سیره حواریون عیسی مسیح^(ع) هر رنج و سختی را در راه اعتلای دین خدا می پذیرند تا آن که زمینه های ظهور مهدی موعود^(ع) را جهت برپایی حکومت عدل الهی فراهم سازند.

۱. فرهنگ فارسی «عمید»/ ۱۱۶۲؛ معجم الوسیط/ ۹۳۲. ۱۳. تفسیر نفس «محمد رضا طباطبائی»، ۲/ ۹۶.
۲. حکومت جهانی مهدی «مکارم شیرازی»/ ۸۵. ۱۴. همان.
۳. بحارالأنوار، ۱۳۲/۵۲. ۱۵. مجمع البیان، ۴/ ۸۸.
۴. کمال الدین «صدوق»، ۲/ ب/ ۵۵/ ح/ ۳. ۱۶. قاموس قرآن، ۲/ ۱۹۵.
۵. بحارالأنوار، ۳۸۵/۵۲. ۱۷. معجم الوسیط/ ۲۰۵؛ ترجمه المیزان، ۳/ ۳۱۹.
۶. غیبت نعمانی / ترجمه علی اکبر غفاری. ۱۸. تفسیر نمونه، ۲/ ۵۶۲.
۷. فصلنامه انتظار، ش ۱: به نقل از اثبات المهدی، ۲۴/۷. ۱۹. المفردات/ ۲۶۳.
۸. بحارالأنوار، ۷۲؛ منیه المدیر «شهید ثانی» / ۳۸۱. ۲۰. تفسیر نمونه، ۲/ ۵۶۳.
۹. تحف العقول/ ۴۳. ۲۱. تفسیر نفیس، ۲/ ۹۶.
۱۰. حکومت جهانی مهدی / ۱۰۰. ۲۲. ترجمه المیزان، ۳/ ۳۱۷.
۱۱. المفردات / ۴۵۲؛ فرهنگ نوین / ۳۷۸. ۲۳. همان / ۳۲۰.
۱۲. همان / ۴۵۳.